

بررسی فقهی قانون تجارت؛ افلاس شرکت، شواهد و مویدات لزوم عاقبت سنجی در حکم به حجر

شواهد و مؤیدات لزوم عاقبت سنجی در حکم به افلاس

آیا حاکم شرع به مجرد ظهور نشانه‌های افلاس، می‌تواند حکم به حجر بدهد یا اینکه با جوانب آن را بسنجد؟ به عبارت دیگر اگر چیزی مشروع است اما منتهی به امر نامشروع می‌شود، می‌توان انجام داد یا باید ترک شود؟

گفته شد به هر یک از شواهد به صورت تنهایی خدشه وارد است اما مجموع من حیث المجموع دلیل می‌شود که به آن جمع القرائن گفته می‌شود.

۱- «و فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِسَنَدٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي حَدِيثٍ قَالَ: مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَفْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَ قِرَاءَتِهِ وَ زُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قُعُودِهِ وَ قِيَامِهِ رُدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَ لَمْ تَجَاوِزْ تَرَاقِيَهُ وَ كَانَتْ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزِلَةَ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُتَعَدٍّ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ مَا مَنَزِلَةُ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُتَعَدٍّ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ قَالَ هُوَ رَابِعُ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ- إِبْلِيسَ وَ فِرْعَوْنَ وَ قَاتِلِ النَّفْسِ وَ رَابِعُهُمْ سُلْطَانُ جَائِرٌ». (وسائل الشيعه ج ۸ ص ۴۲۰ باب ۶۹ از ابواب نماز جماعت ح ۶)

این حدیث می‌فرماید امام جماعت نباید نماز را طول بدهد و باعث تنفر مأمومین شود. طول دادن نماز، مشروع است اما اگر موجب تنفر و زدگی مردم بشود، ممنوع و نامشروع است.

سند حدیث چنین است: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرَةَ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ عَنْ يَزِيدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ. (وسائل الشيعه ج ۲ ص ۴۱۷)

شیخ صدوق در ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، خصال و کتاب‌های دیگر (غیر از من لایحضره الفقیه) از این گونه سندها زیاد دارد. نفس اینکه افراد زیادی در سند باشند، عیب است و در علم درایه به آن حدیث، دانی‌السند گفته می‌شود.

در این اسناد صدوق، افراد زیادی مجهول هستند. ظاهر حدیث آن است که محمد بن موسی بن متوکل، استاد صدوق است و این می‌تواند دلیل بر وثاقت یا مدح وی شود. احتمالاً به همین جهت علامه حلی در خلاصه الاقوال او را ثقه دانسته است. محمد بن جعفر مجهول است و احتمالاً محمد بن جعفر بن محمد بن جعفر باشد. او همان کسی است که نماز میت کلینی را خوانده است. محمد بن جعفر حدود ۳۳۰ زنده بوده است و کلینی متوفای ۳۲۹ است و از نظر تاریخی جور درمی‌آید. علی القاعده کسی که نماز میت کلینی را می‌خواند باید مورد تأیید مردم بوده باشد.

موسی بن عمران مجهول است و احتمالاً موسی بن عمر درست باشد ولی توثیق ندارد.

یک حسین بن زید در رجال هست که نوه امام سجاد علیه‌السلام است و امام صادق او را فرزندخوانده خود قرار داد و قطعاً ثقه است. بعید است این حسین بن زید همان باشد.

حماد بن عمرو نصیبی در رجال وجود ندارد. احتمالاً نصیبی غلط است و خصیبی صحیح است که علوی‌های سوریه و آناتولی (نصیری‌ها) طرفدار او هستند.

ابی الحسن خراسانی و میسره و ابی عایشه مجهول هستند.

یزید بن عمر از اصحاب امام هشتم است ولی توثیق ندارد.

عبدالعزیز بن سلمه برای اهل سنت موثق است ولی شیعه او را موثق نمی‌داند.

ابی سلمه و ابوهریره هم در شیعه موثق نیستند؛ بنابراین سند حدیث خیلی مشکل دارد.

در روایت دیگری آمده است: «قَالَ: وَ كَانَ مُعَاذٌ يَوْمَ فِي مَسْجِدِ عَلِيٍّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص - وَ يُطِيلُ الْقِرَاءَةَ وَ إِنَّهُ مَرَّ بِهِ رَجُلٌ فَأَفْتَتَحَ سُورَةَ طَوِيلَةَ فَقَرَأَ الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ وَ صَلَّى ثُمَّ رَكَبَ رَاحِلَتَهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَبَعَثَ إِلَى مُعَاذٍ - فَقَالَ يَا مُعَاذُ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ فَتَانًا عَلَيْكَ بِالشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا وَ ذَوَاتِهَا». (وسائل الشیعه ج ۸ ص ۴۲۰ باب ۶۹ از ابواب نماز جماعت ح ۴)

در نامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر هم این مطلب آمده است که طوری نماز بخوان که موجب تنفر مردم نشود.

۲- حدیثی از رسول خدا نقل شده است که می‌فرماید وقتی سه نفر یا بیشتر درجایی هستند، دو نفر نجوا نکنند چون شخص ثالث خیال می‌کند که درباره او حرف می‌زنند. نجوای دو نفر مباح است اما چون منجر به سوءظن شخص ثالث می‌شود مورد نهی شرعی قرار گرفته است.

۳- «يا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا». (الأحزاب/۳۲)

اگر زن صدای خود را نازک کند اولاً و بالذات ایرادی ندارد اما اگر موجب وسوسه مرد بشود، اشکال دارد.

۴- «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ». (احزاب/۵۳)

زمانی که پیامبر در منزل بود عده‌ای می‌آمدند در منزل او می‌نشستند تا ناهار آماده شود. آیه نازل شد «غیر ناظرین لانا». این افراد عادت کرده بودند و حتی زمانی که رسول خدا در سفر بودند هم می‌آمدند تا غذا بخورند. این آیه می‌فرماید زنان رسول خدا با آنها از پشت حجاب حرف بزنند. بدون حجاب با زن نامحرم صحبت کردن ایرادی ندارد اما آیه می‌فرماید باحجاب باشد برای بی‌شک و بی‌ریب بودن، بهتر است.

۵- «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (نور/۳۱)

پا به زمین زدن یا دست تکان دادن ایرادی ندارد اما چون صدای جواهرات درمی‌آید موجب به گناه افتادن می‌شود ممنوع است.

امثال این آیات در قرآن زیاد است.